

## در بهشت و جهنم چه می گذرد؟





مقدمه

الحمد لله رب العالمين و الصلوه و السلام على سيد الانبياء و المرسلين محمد و اهل بيته  
الطاهرين

خداوند برای پاداش مومنين، بهشت و برای مجازات كافرين، جهنم را خلق نموده است.  
بهشت و جهنم وجود دارند و افرادی که می میرند قبر آنها یا باغی از باغ های بهشت است یا  
چاهی از چاه های جهنم.

بعضی می گویند بهشت و جهنم در همین دنیا است! و بعد مردن بهشت و جهنمی در کار  
نیست! ولی خداوند بوسیله پیامبران و کتابهای آسمانی به بشریت اعلام کرده که بهشت و  
جهنم در آخرت وجود دارد و عذابهای جهنم را هیچ کس نمی تواند تحمل کند.  
ما در این کتاب به قسمت کوچکی از نعمت های بهشت و عذابهای جهنم اشاره می نماییم.  
انشا الله که در قیامت با شفاعت پیامبر مهربانی ها از جهنم نجات پیدا کنیم و در بهشت در  
جوار اولیاء خدا باشیم.

تابستان 1402. کرمانشاه

## در بهشت چه می گذرد؟

### انواع بهشتها

امام باقر(ع): بهشتهایی که خدا در قرآن ذکر کرده است، بهشت عدن، بهشت فردوس، بهشت نعیم و بهشت مأوی است. و غیر از اینها بهشتهای دیگری است. آنچه را که مؤمن در بهشت در خواست کند، کافیت که بگوید: **سبحانک اللهم!** که خادمان بهشت، هر چه را بخواهد، آماده می کنند و بعد از بهره مند شدن از نعمت، می گوید: **الحمد لله رب العالمین.**

### ثواب روزه بیست و چهار روز رجب!

رسول اکرم(ص) فرمود: کسیکه بیست و چهار روز از ماه رجب را روزه بگیرد، در هنگام مرگ، عزرائیل به صورت جوانی که لباس حریر سبز پوشیده و سوار بر اسب بهشتی است و در یک دستش حریر سبزی آغشته به مشک اذفر و در دست دیگرش، ظرفی از طلا که پر از شراب بهشتی است، نزد او حاضر می شود و از آن شراب به او می نوشاند، تا هنگام خروج روح از تنش، دچار سختی مرگ نشود! سپس روح او را در آن حریر می پوشاند. از آن حریر بوئی به مشام می رسد که اهل آسمانهای هفتگانه، بوی آنرا استشمام می کنند. او در قبرش سیراب است تا در قیامت، از حوض کوثر بنوشد!

امام صادق(ع) فرمود: ارواح مؤمنین، در اطاقهایی از بهشت، زندگی می کنند. از غذاهای بهشتی و آشامیدنیهای آن، می خورند و می آشامند و به دیدار یکدیگر می روند و می گویند: خدایا! روز قیامت را برسان! تا وعده های تو را ببینیم

«در روایت آمده که حضرت عیسی(ع) مردی را که سالهای سال مرده بود، زنده کرد. حواریون دیدند پیرمرد با نشاطی است. به او گفتند چند سال است مرده‌ای؟ گفت الان مرا در قبر گذاشتند و دری از بهشت باز شد و به بهشت رفتم. حور العینی به استقبال آمد و مرا در آغوش گرفت. ناگاه گردن‌بندش پاره شد. با هم نشستیم و داشتیم مهره‌های گردن‌بند را جمع می‌کردیم که تو مرا صدا کردی و مزاحم! شدی. حضرت عیسی(ع) گفت برگرد و گردن‌بند را جمع کن!

## سه حدیث از امام صادق(ع)

1- هنگامیکه روز قیامت شود، یکی از پرده‌های بهشت را کنار می‌زنند. آنوقت بوی بهشت از مسیر پانصد سال بمشام همه بغیر از یکدسته می‌رسد! سؤال شد: آن یکدسته کدامند؟ فرمود: **عاق والدین!**

## بهشت در نهج البلاغه

علی(ع) در خطبه 109 نهج البلاغه می‌فرماید: بهشت سرائی است که اقامت کنندگان آن، هرگز کوچ نمی‌کنند و احوالشان تغییر نمی‌نماید. خوف و ترسی به آنان روی نمی‌آورد. بیماری در وجود آنان رخنه نکند. خطرات متوجه آنان نشود و سقری در پیش ندارند تا اجباراً از محلی به محل دیگر کوچ نمایند.

و در خطبه 165 می‌فرماید: اگر با چشم دلت به آنچه از بهشت برایت توصیف می‌شود، نظر اندازی، روح از لذات و زخارف دنیا، کناره‌گیری خواهد کرد و فکرت درباره درختهایی که شاخه‌هایشان، همواره بهم می‌خورد و ریشه‌های آن در دل تپه‌هایی از مُشک، بر سواحل نهرهای بهشت فرو رفته‌اند، متحیر می‌شود! میوه‌های این درختان، به آسانی و مطابق میل هر شخص، چیده می‌شود. میزبانان بهشتی از کسانی که در بهشتند و مقابل قصر آنان فرود آمده‌اند، با عسل‌های مصفا و شرابهای پاکیزه که مستی ایجاد نمی‌کنند، پذیرائی می‌نمایند.

## ده چیز در بهشت است!

یکی از بزرگان گفته است: این ده چیز در بهشت است: جوانی که با او پیری نیست. \* سلامتی که بدنالش بیماری نیست. \* سلطنتی که در او عزل نیست. \* راحتی که با او شدت نیست. \* نعمتی که با او محنت نیست. \* بقائی که با او فنا نیست. \* حیاتی که با او مرگ نیست. \* عزتی که با او ذلت نیست. \* رضائی که با او سخط نیست. \* آنسی که با او وحشت نیست.

آل عمران 179:

## وَإِنْ تُوْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ

یعنی: اگر ایمان بیاورید و تقوا پیشه کنید، برای شما پاداشی بزرگ است.

که کلمهٔ **أَجْرٌ عَظِيمٌ** فراوان در قرآن آمده است. و مراد از آن یکی بهشت جاودان است و دیگری رضای خداوند تبارک و تعالی.

### حورالعین\* لباس بهشتی\* موسیقی بهشتی\* طوبی

امام صادق(ع): اگر حورالعینی از حوریان بهشتی، خودش را به اهل

دنیا نشان بدهد، همهٔ اهل دنیا بی تاب شده و می میرند.

رسول خدا(ص): اگر لباسی از لباسهای بهشت را به اهل دنیا نشان بدهند، چشمانشان تحمل دیدن آن را نخواهد داشت و همه از کثرت لذت نگاه به آن، بی تاب شده و می میرند.

در روایت است که: در بهشت درختانی است که زنگهایی از نقره بر آن آویزان است. هنگامیکه اهل بهشت، علاقه به شنیدن موسیقی دارند، خداوند بادی را از دل عرش بر می انگیزاند و این باد به درختهای مذکور می وزد و با به حرکت آوردن زنگها، تولید چنان صدائی می کند که اگر اهل دنیا آنرا بشنوند، از شدت طرب و شادی، جان می سپارند.

رسول خدا(ص): طوبی درختی در بهشت است که خداوند آنرا بادست خویش، غرس نموده است و از روح خود در آن دمیده است. از این درخت زیتها و میوه های خوشگوار می روید که بر دهان اهل بهشت، بسیار نزدیک و شاخه هایش از پشت دیوارهای بهشت پیداست!

اصل وریشهٔ این درخت در خانهٔ -بهشتی- علی بن ابی طالب(ع) است و دوستانش از آن بهره مند و دشمنانش ناکامند.

هشت در بهشت

امیر مؤمنان، علی(ع): بهشت دارای هشت در است: دری که از آن پیامبران و صدیقین داخل می شوند. دری که از آن شهداء و صالحین وارد می گردند. شیعیان و دوستان ما، از پنج در دیگر داخل می شوند. من همواره بر روی پل صراط دعا می کنم که خدایا! شیعه و یاور مرا و هر شخصی که مرا در دنیا دوست داشت، حفظ کن! و در دیگر دری است که سایر مسلمانان و گویندگان لا اله الا الله وارد می شوند. بشرط اینکه در دل آنها ذره ای دشمنی ما اهل بیت، وجود نداشته باشد.

## جوانان سیه چشم

امام باقر(ع): همانا اهل بهشت، جوانانی سیه چشم و تاجدار، دارای

گردنبند و دستبند و دانا و گرامی هستند که به هر کدام از آنها، نیروی صدق برای خوردن و آشامیدن و آمیزش جنسی، عطا می شود.

## دختران نارپستان

رسول خدا(ص): بیشتر نهرهای بهشت از نهر کوثر است که در کناره آنها دختران نارپستان می رویند.

## از جنس زعفران

امام نهم(ع): حورالعین جنسش از زعفران و خاک بهشتی است که هیچگاه فساد در آن راه نمی یابد.

## یکصد هزار طعم

رسول خدا(ص): هر یک از میوه های بهشتی، یکصد هزار طعم دارد همچنین فرمود: در عالم رویا عمویم حمزه را دیدم که طبقی انگور در مقابلش بود. ناگاه به خرما تبدیل شد.

«پاداش آنان-مؤمنان-بخاطر صبری که کردند، بهشت و حریر است\*در حالیکه بر تختها تکیه زده و در بهشت دچار گرما و سرما نمی شوند\*سایه های درختان نزدیک است و میوه هایش در دسترس می باشد\*ظرفهای نقره و کوزه های شیشه ای برایشان می آورند\*شیشه هایی که از نقره و باندازه است\*»

از این ظرف شربتی که طعم آن زنجبیل و از چشمه سلسبیل تهیه شده می نوشند\*کودکانی که هرگز نمی میرند و اگر آنان را ببینی خیال می کنی مروارید پراکنده اند، بدورشان می گردند\*اگر نگاه کنی و خوب نگاه کنی، نعمت و پادشاهی بزرگی می بینی\*لباسهای آنان سبز و از جنس ابریشم نازک است و دستبندهایی از نقره بر دست دارند و خدا به آنان شراب پاکیزه می نوشاند.»

## اولین و آخرین فرد در بهشت

امام رضا(ع): اولین فردی که وارد بهشت می شود، شهید است.

در روایت است که آخرین پیامبری که وارد بهشت می شود، حضرت سلیمان است. بخاطر نعمتهایی که در دنیا داشته است.

## شراب بهشتی

رسول خدا(ص): ای علی! کسیکه بخاطر خدا از شراب دوری کند، خداوند از رحیق مختوم-شراب بهشتی-به او می خوراند.

## بوی بهشت



ابابصیر می گوید: به امام صادق (ع)، عرض کردم که: مرا ترغیب و تشویق بفرمائید! فرمود: ای ابا محمد! بوی بهشت از مسیر هزار سال بمشام می رسد. کسیکه پایین ترین درجه اهل بهشت را دارا است، اگر همه انس و جن، مهمان او شوند، برای آنها غذا و آشامیدنی دارد و چیزی کم نمی آورد. ساده ترین نعمتها برای یک فرد بهشتی، آنستکه به او سه باغ می دهند. وقتی به باغ اول می رود، تا چشم کار می کند، حورالعین و خادم و نهرها و میوه ها را می بیند و خدا را بخاطر این نعمتها شکر می کند. در این موقع به او گفته می شود، سرت را بلند کن و به باغ دوم نگاه نما! که در آن نعمتهایی است که در اولی نیست! و...

## بازار بهشت!

رسول خدا (ص): در بهشت بازاری است که چیزی در آن خرید و فروش نمی شود بلکه عکس زنان و مردان بر در بازار است که هر شخصی از عکسی خوشش بیاید، وارد بازار می شود و در آنجا جمعی حورالعین را می بیند که با صدای زیبایی که احدی مانند آنرا نشنیده می خوانند: ما نعمتیم و هرگز تغییر نمی کنیم! ما پوشیده ایم که هیچگاه عریان نمی شویم! ما همیشه راضی هستیم و هرگز خشمگین نمی شویم! ما همیشه زنده ایم و هیچگاه نمی میریم! ما سیریم و هیچگاه گرسنه نمی شویم! ما زنان خوب و زیباییم و شوهرانمان بهترین و کریمترین افراد هستند!

## عمل صالح

امام صادق (ع): عمل صالح پیشاپیش به بهشت رفته و همانطور که انسان غلامش را پیش می فرستد تا جایش را آماده کند، عمل صالح منزل بهشتی او را آماده می کند.

## از طلا و نقره

رسول خدا (ص) در تفسیر آیه 62 الرحمن «ومن دونهما جنتان» یعنی: غیر از آندو بهشت، دو بهشت دیگر است. فرمود: دو بهشت دیگر است که در یکی ساختمان و آنچه در آنها است از نقره بوده و دیگری آنچه از ساختمان و غیر آن است، از طلا می باشد.

## صافات 48:

مَكْنُونٌ. وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عَيْنٌ \* كَأَنَّهُمْ بِيضٌ

یعنی: برای اهل بهشت، حوریانی است که فقط به شوهران خود نظر می کنند و گویا تخم مرغ - بدون بو و مو - هستند.

## درخت بهشتی

روایت شده که بر در بهشت، درختی است که شاخه های آن بر صد هزار نفر سایه می اندازد. در سمت راست درخت، چشمه ای پاک کننده وجود دارد که اهل بهشت وقتی از آن می نوشند، دلشان از حسد و پوستشان از مو پاک می شود. همانطور که خدادر آیه 21 سوره انسان می فرماید: «وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا». یعنی: خدا به آنان شرابی پاک کننده می نوشاند. سپس در چشمه ای که در چپ درخت است غسل می کنند و با غسل در آن مرگ آنها از بین می رود.

## نعمتهای سبقت گیرندگان در ایمان

### واقعه 15 تا 26:

بر تختهای بافته - به زر و گوهر - \* رویاروی یکدیگر بر آنها تکیه زده اند \* پسرانی همواره نوجوان، پیرامون ایشان می گردند \* با کوزه ها و جامهایی از می صاف گوارا \* که از آن سردرد نگیرند و مست نشوند \* و میوه هایی که دوست دارند \* و گوشت هر پرنده ای که بخواهند \* و دوشیزگانی با چشمهای سیاه و درشت \* همچون مروارید پوشیده در صدف \* پاداش اعمالشان است \* در آنجا سخن لغو و گناه آلودن نشوند \* مگر گفتاری: سلام، سلام.

## نعمتهای اصحاب یمین

در زیر درختهای سدر\* و درخت موز که میوه اش بر هم چیده باشد\* و سایه ای کشیده و پیوسته\* و آبی همواره روان\* و میوه ای بسیار، نه تمام می شود و نه مانعی است\* و فرشهای بر افراشته\*

## زنان بهشت

امام صادق(ع): زنان بهشت حسادت ندارند و حیض نمی شوند و تندخویی نمی کنند.

## اسب بهشتی

علی(ع): در بهشت درختی است که از بالای آن لباسهای حله می روید و از پائینش، اسبان ابلق زین و لجام کرده خارج می شود. این اسبان دارای بال هستند و سرگین ندارند. بهشتیان بر آنها سوار شده و به هر کجا بخواهند پرواز می کنند

## گمان خوب به خدا

امام باقر(ع): گمان خوب به خدا داشته باشید که بهشت دارای هشت در است و فاصله بین هر در، چهل سال راه است.

## در نهایت سفیدی

از امام صادق(ع) در باره آیه «فیهن خیرات حسان» یعنی: در بهشت زنان خوب و زیبا است. سؤال شد. فرمود: آنها زنان مؤمن شیعه هستند که داخل بهشت شده و به ازدواج مردان مؤمن در می آیند. و آنجا که فرموده

است: «حور مقصورات فی الخیام یعنی: حوریانی که درخیمه ها نشسته اند.» حوران بهشت هستند که در نهایت سفیدی اندو کمرهای باریک دارند.

## صفات بهشتیان

رسول خدا(ص): ساق درختهای بهشت از طلا است و اهل بهشت نیاز به بول و غائط ندارند و غذاها و آشامیدنی ها بوسیله عرق خوشبوئی دفع می شود! هر روز چهره بهشتیان، زیباتر و باطراوت تر می گردد در حالیکه در دنیا هر روز پیرتر و بدقیافه تر می شوند.

## در بزرگ بهشت

رسول خدا(ص): در بزرگ بهشت مخصوص بندگان شایسته خداست که ترک دنیا کرده اند و از محارم الهی ورع داشتند و پیوسته بسوی خدا رغبت داشت و خدا را انیس و مونس خود ساخته اند. آنها چون داخل بهشت شوند، بر کشتیها سوار شده و در دونه‌ر عظیم بهشت، سیر می کنند. کشتی از یاقوت است و در آن ملائکه ای از نور هستند که لباسهای بسیار سبز پوشیده اند. اسم آن نهر جنة المأوی است.

## میوه بهشت

رسول خدا(ص): میوه های بهشت بطوری به انسان نزدیک هستند که بادهان خود در حالیکه تکیه کرده است، و بدون حرکتی آن را گرفته و می خورد. انواع میوه ها حرف می زنند و هر کدام به مؤمن می گوید: اول مرا بخور! چون مؤمن میل به غذایی پیدا کند، قبل از اینکه حرفی بزند برایش آورده می شود. گاهی مؤمنین به دیدار هم می روند و در باغهای خود به استفاده از نعمتها مشغول می شوند. هوای بهشت، مانند هوای بین طلوع صبح و آفتاب است.

## تزوید حوریه

امام صادق(ع): هنگامیکه بنده ای نماز خواند و گفت: **اللهم اَعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ وَادْخِلْنِي الْجَنَّةَ**

**وَزَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ**. یعنی: خدایا! مرا از جهنم نجات بده! و مرا به بهشت داخل کن! و حورالعین را به من تزویج

کن! در این موقع جهنم می گوید: خدایا! بنده ات آزادی از مرا از تو خواست، تو هم او را آزاد کن! بهشت می گوید: خدایا! بنده ات سکونت در مرا از تو درخواست کرد. پس او را در من ساکن کن! حورالعین می گوید: خدایا! بنده ات همسری مرا درخواست کرد. پس مرا به او تزویج کن!

## منزل پیامبر

علی (ع): منزل پیامبر (ص) در بهشت عدن است که وسط همه بهشت ها و نزدیکتر از همه به عرش الهی است. کسانی که در این بهشت با رسول خدا (ص) ساکن می شوند، دوازده امام هستند.

## وارد بهشت شدن

رسول خدا (ص): بهشت بر انبیاء حرام است تا من داخل بهشت بشوم و بر امت ها نیز حرام است تا شیعیان ما اهل بیت وارد شوند.

## ترجمه آیه 69 زخرف:

شما با همسرانتان با خوشحالی داخل بهشت شوید\* با کاسه هایی از طلا و کوزه هایی بر آنان بگردانند. و در آن هر چه دلها بخواهد و چشمها از دیدن آن لذت ببردهست. و شما در آن ابدی هستید.

## صد درجه فاصله

رسول خدا (ص): بهشت دارای صد درجه است که فاصله هر درجه ای با درجه دیگر به اندازه فاصله آسمان و زمین است.

## جزای نیکی

رسول خدا(ص):می دانید خدا در آیه «هل جزاء الا احسان الا الاحسان. یعنی: آیا پاداش خوبی جز خوبی است» چه می گوید؟ گفتند: خدا ورسول، عالمترند! فرمود: خدا می فرماید: آیا پاداش کسیکه مانعمت توحید را به اودادیم، جز بهشت است؟

محمد حسن کاظمینی....

آخرین روزهای اسفند ۱۳۶۴ بود. در بیمارستان مشغول فعالیت بودم. من تکنسین اتاق عمل و متخصص بیهوشی بودم. با توجه به عملیات رزمندگان اسلام تعداد زیادی مجروح به بیمارستان منتقل شده بود. لحظه ای استراحت نداشتیم اتاق عمل مرتب آماده می شد و تیم جراحی وارد می شدند. داشتم از داخل راهروی بیمارستان به سمت اتاق عمل می رفتم، که دیدم حتی کنار راهروها مجروح خوابیده!! همین طور که جلو میرفتم یک نفر مرا به اسم کوچک صدا زد، برگشتم اما کسی را ندیدم می خواستم بروم که دوباره صدایم کرد، دیدم مجروحی کنار راهروی بیمارستان روی تخت حمل بیمار از روی شکم خوابیده و تمام کمر او غرق خون است. رفتم بالای سر مجروح و گفتم شما من را صدا زدی؟ چشمانش را به سختی باز کرد و گفت: بله، منم کاظمینی. چشمانم از تعجب گرد شد، گفتم محمد حسن اینجا چه کار می کنی؟

محمد حسن کاظمینی سال های سال با من همکلاسی و رفیق بود. از زمانی که در شهرضای اصفهان زندگی می کردیم. حالا بعد از سال ها در بیمارستانی در اصفهان او را می دیدم. او دو برادر داشت که

قبل از خودش و در سال‌های اول جنگ در جبهه مفقود شده بودند. البته خیلی از دوستان می‌گفتند که برادران حسن اسیر شده اند.

بلافاصله پرونده پزشکی اش را نگاه کردم. با یکی از جراحان مطرح بیمارستان که از دوستانم بود صحبت کردم و گفتم این هم‌کلاسی من طبق پرونده‌اش چندین ترکش به ناحیه کمرش اصابت کرده و فاصله بین دو شانه چپ و راست را متلاشی کرده طوری که پوست و گوشت کمرش از بین رفته، دو برادر او هم قبلاً مفقود الاثر شدند. او زن و بچه هم دارد اگر می‌شود کاری برایش انجام دهید.

تیم جراحی خیلی سریع آماده شد و محمدحسن راهی اتاق عمل شد دکتر همین که میخواست مشغول به کار شود. مرا صدا زد و گفت: باورم نمیشه، این مجروح چطور زنده مانده به قدری کمر او آسیب دیده که از پشت می‌توان حتی محفظه‌ای که ریه‌ها در آن قرار می‌گیرد مشاهده کرد!! دکتر به من گفت: این غیر ممکن است، معمولاً در چنین شرایطی بیمار یکی دو ساعت بیشتر دوام نمی‌آورد بعد گفت: من کار خودم را انجام می‌دهم. اما هیچ‌امیدی ندارم، مراقبتهای بعد از عمل بسیار مهم است. مراقب این دوستت باش. عمل تمام شد یادم هست حدود ۴۰ عدد گاز استریل را با بتادین آغشته کردند و روی محل زخم گذاشتم و پانسمان کردم. دایره‌ای به قطر حدود ۲۵ سانت، روی کمر او متلاشی بود. روز بعد دوباره به محمدحسن سر زدم حالش کمی بهتر بود، خلاصه روز به روز حالش بهتر شد. یادمه روز آخر اسفند حسابی براش وقت گذاشتم، گفتم فردا روز اول عید است مردم و بستگان شما به بیمارستان و ملاقات مجروحین می‌آیند. بگذار حسابی تر و تمیز بشیم همینطور که مشغول بودم و او هم روی شکم خوابیده بود به من گفت می‌خواهم به خاطر تشکر از زحماتی که برای من کشیدی یک ماجرای عجیب رو برات تعریف کنم. گفتم بگو میشنوم، فکر کردم می‌خواهد

از حال و هوای رزمندگان و جبهه تعریف کنه. ماجرای را برایم گفت که بعد از سالها هنوز هم وقتی به آن فکر می کنم حال و هوایم عوض می شه

... ادامه ماجرا

محمد حسن بی مقدمه گفت: اثر انفجار را روی کمر من دیدی؟ من با این انفجار شهید شدم، روح به طور کامل از بدنم خارج شد و من بیرون از بدنم ایستادم و به خودم نگاه می کردم یک دفعه دیدم که دو ملک در کنار من ایستادند. به من گفتند: از هیچ چیزی نگران و ناراحت نباش تو در راه خداوند شهید شده و اکنون راهی بهشت الهی خواهی شد. همراه با آن دو ملک به سمت آسمان ها پرواز کردیم در حالی که بدن من همینطور پشت خاکریز افتاده بود. در راه همین طور به من امید می دادند و می گفتند نگران هیچ چیزی نباش خداوند مقام بسیار والایی را در بهشت برزخی برای شما و بقیه شهدا آماده کرده

در راه برخی رفقایم را که شهید شده بودند می دیدم آنها هم به آسمان می رفتند کمی بعد به جایی رسیدیم که دو ملک دیگر منتظر من بودند دو ملک قبلی گفتند اینجا آسمان اول تمام می شود شما با این ملائک راهی آسمان دوم میشوی از احترامی که به ملائک آسمان دوم گذاشته شد فهمیدم، ملائک آسمان دوم از لحاظ رتبه و مقام از ملائک آسمان اول برترند. آن دو ملک هم حسابی مرا تحویل گرفتند و به من امید دادند که لحظاتی دیگر وارد بهشت برزخی خواهی شد و هر زمان که بخواهی می توانی به دیدار اهل بیت علیه السلام بروی. بعد من را تحویل ملائک آسمان سوم دادند همین طور ادامه داشت تا این که مرا تحویل ملائک آسمان هفتم دادند، کاملاً مشخص بود که ملائک آسمان هفتم از ملائک آسمان ششم برترند. بلافاصله نگاهم به بهشت افتاد نمی دانید چقدر



زیبا بود از هر نعمتی بهترین هایش در آنجا بود. یکباره دیدم که هر دو برادرم در بهشت منتظر من هستند فهمیدم که هر دوی آنها شهید شده‌اند. چون قبلاً به ما گفته بودند که آنها اسیر هستند. خواستم وارد بهشت بشوم که ملائک آسمان هفتم با کمی ناراحتی گفتند: این شهید را برگردانید، پدرش راضی به شهادت او نیست و در مقام بهشتی او تاثیر دارد او را برگردانید تا با رضایت پدرش برگردد. تا این حرف را زدند، ملائک آسمان ششم گفتند چشم...

یکباره روح به جسم من برگشت تمام بدنم درد میکرد. من را در میان شهدا قرار داده بودند. اما یک نفر متوجه زنده بودن من شد و مرا به بیمارستان منتقل کردند و از آنجا راهی اصفهان شدیم. حالا هم فقط یک کار دارم، من بهشت و جایگاه بهشتی خودم را دیدم. حتی یک لحظه هم نمی توانم دنیا را تحمل کنم فقط آمده‌ام رضایت پدرم را جلب کنم و برگردم. او میگفت و من مات و متحیر گوش میکردم.

روز بعد پدرش حاج عبدالخالق به ملاقات او آمد، پیرمردی بسیار نورانی و معنوی، میخواستم ببینم ماجرا چه می شود وقتی پدر و پسر خلوت کردند، شنیدم که محمدحسن گفت: پدر شما راضی به شهادت من نیستی؟ پدر خیلی قاطع گفت: خیر

محمد حسن گفت: مگه من چه فرقی با برادرهایم دارم آنها الان در بهشت هستند و من اینجا پدر گفت: اون ها شاید اسیر باشند و برگردند اما مهم این است که آنها مجرد بودند و تو زن و بچه داری من در این سن نمی توانم فرزندان کوچک تو را سرپرستی کنم. از اینجا به بعد رو متوجه نشدم که محمدحسن برای پدرش چه گفت، اما ساعتی بعد وقتی پدرش بیرون رفت و من وارد اتاق شدم محمد حسن خیلی خوشحال بود گفتم چه شده گفت: پدرم راضی شد انشاءالله می روم آنجایی که باید بروم. من برخی شب‌ها توی بیمارستان کنارش می نشستم برای من از بهشت می گفت، از همان جایی

که برای چند لحظه مشاهده کرده بود، می گفت: با هیچ چیزی در این دنیا نمی توانم آنجا را مقایسه کنم. زخمهایش روز به روز بهتر می شد، دو سه ماه بعد، از بیمارستان مرخص شد شنیدم بلافاصله راهی جبهه شده

چند روزی از اعزام نگذشته بود که برای سر زدن به خانواده راهی شهرضا شدم، رفقایم گفتن امروز مراسم تشییع شهید داریم. پرسیدم کی شهید شده؟

گفتند: محمد حسن کاظمینی. جا خوردم و گفتم این که یک هفته نیست راهی جبهه شده! به محل تشییع شهدا رفتم درب تابوت را باز کردم محمد حسن، نورانی تر از همیشه گویی آرام خوابیده بود. یکی از رفقا به من گفت: بلند شو که پدرش داره میاد. دوست من گفت: خدا به داد ما برسه ممکنه حاجی سر همه ما داد بزنه دو تا پسرش مفقود شده و سومی هم شهید شد. من گوشه ای ایستادم. پدر بالای سر تابوت پسر آمد و با پسرش کمی صحبت کرد، بعد گفت: پسرم بهشت گوارای وجودت دو سال بعد جنگ تمام شد و اُسرای ایرانی آمدند اما اثری از برادران محمد حسن نبود. با شروع تفحص پیکر دو برادر محمد حسن هم پیدا شد و برگشت، و در کنار برادرشان و در جوار مزار حاج ابراهیم همت در گلزار شهدای شهرضا آرام گرفتند

**یا علی!**

رسول خدا(ص): حلقهٔ درب بهشت از یاقوت قرمز است که بر صفحه های طلا نصب شده است. که هر گاه حلقه را بر

صفحه بکوبند، صدا می کند: **یا علی!**

## بهشت از نور

رسول خدا(ص) فرمود بدانید که خداوند تعالی بهشت را از نور آفرید که هشت بهشت است که بالای هم قرار دارند. و امروز بهشت در آسمان است و از همه بهشت‌ها برتر، بهشت فردوس است. و هر بهشتی نامی دارد. بهشت اول **دارالسلام** . که از یاقوت سرخ خلق شده است. بهشت دوم **دارالقرار** . بهشت سوم **دارالخلد**. بهشت چهارم **جنت المأوی**! بهشت پنجم **جنت عدن** که از زبرجد خلق شده است. بهشت ششم **جنت النعیم** از زمرد خلق شده است. بهشت هفتم **جنت**. بهشت هشتم **فردوس** نام دارد که از نور آفریده شده که هر یک از گوهری است.

## درهای بهشت

رسول خدا(ص) فرمود بدانید که خداوند تعالی بهشت را از نور آفرید که هشت بهشت است که بالای هم قرار دارند. و امروز بهشت در آسمان است و از همه بهشت‌ها برتر، بهشت فردوس است. و هر بهشتی نامی دارد. بهشت اول **دارالسلام** . که از یاقوت سرخ خلق شده است. بهشت دوم **دارالقرار** . بهشت سوم **دارالخلد**. بهشت چهارم **جنت المأوی**! بهشت پنجم **جنت عدن** که از زبرجد خلق شده است. بهشت ششم **جنت النعیم** از زمرد خلق شده است. بهشت هفتم **جنت**. بهشت هشتم **فردوس** نام دارد که از نور آفریده شده که هر یک از گوهری است.

درهای بهشت هر یک بفاصله شرق و غرب عالم است و بر روی هر دری نوشته شده است **انا لا اعذب من**  
**قال: لا اله الا الله. محمد رسول الله. علی ولی الله.**

## کلماتی که بر روی درهای بهشت نوشته شده

علامه اربلی «ره» در کشف الغمه از رسول خدا(ص) روایت می کند که وقتی به آسمان رفتیم و خواستیم بهشت و دوزخ را ببینیم، جبرئیل مرابسوی بهشت برد و هشت در بهشت را دیدم که بر هر یک چهار کلمه نوشته شده بود که هر کلمه‌ای از دنیا و آنچه در دنیا هست، بهتر است. بشرط عمل. 1- بر درب اول نوشته بود: **لا اله الا الله محمد رسول الله**  
**وعلی ولی الله. لكل شیء حيلة وحيلة العیش اربع خصال. القناعة وبذل الحق وترك**

الحسد ومجالسة أهل الخير. خدایی جز خدای یگانه نیست و محمد رسول خدا وعلی ولی خداست. برای هر چیزی

راهی است و راه زندگی چهار چیز است. قناعت. سخن حق. ترک حسادت و هم نشینی با خوبان. 2- بر درب دوم نوشته

بود: **لا اله الا الله محمد رسول الله وعلی ولی الله.** ان لكل شیء حيلة وحيلة السرور

يوم القيامة اربع خصال. مسح رؤوس الیتامی والتعطف علی الارملة والسعی فی

حوائج المؤمنین والنفقة للفقراء والمساكين. برای هر کاری چاره‌ای است و چاره خوشحالی روز قیامت

چهار خصلت است. کشیدن دست مهربانی بر یتیمان. مهربانی بر بیوه زنان. تلاش در رفع گرفتاری مؤمنان. چهارم دست‌گیری از

بیچارگان. 3- بر درب سوم نوشته بود: **لا اله الا الله محمد رسول الله وعلی ولی الله.** ان

لكل شیء حيلة وحيلة الصحة فی الدنيا اربع خصال. قلة الكلام وقلة المنام وقلة المشی

وقلة الطعام. هر که در دنیا سلامتی می‌خواهد چهار مطلب رعایت کند. کم حرفی. کم خوابی. کم راه رفتن. کم خوری. 4-

درب چهارم نوشته بود: **لا اله الا الله محمد رسول الله وعلی ولی الله.** من كان یؤمن بالله

والیوم الاخر فلیكرم والديه من كان یؤمن بالله والیوم الاخر فلیقل خیراً او یسكت. هر که

به خدا و قیامت ایمان دارد باید احترام والدین خود نگه دارد و هر که بخدا و قیامت ایمان دارد باید آنچه می‌گوید خوب باشد

یا اینکه سکوت نماید. 5- بر درب پنجم نوشته بود: **لا اله الا الله محمد رسول الله وعلی ولی**

الله. من اراد ان لا یظلم فلا یظلم ومن اراد ان لا یُشتم فلا یُشتم ومن اراد ان لا یُذل

فلا یذل ومن اراد ان یتمسك بالعروة الوثقی فلیقل لا اله الا الله محمد رسول الله علی

ولی الله. هر که می‌خواهد به او ظلم نشود، ظلم نکند. هر که می‌خواهد دشنام نشود، خود دشنام ندهد و هر که م‌خواهد

ذلیل نشود، دیگران ذلیل نکند و هر که می‌خواهد به ریسمان الهی چنگ بزند باید بگوید: **لا اله الا الله محمد**

رسول الله وعلی ولی الله. 6- بر درب ششم نوشته بود: **لا اله الا الله محمد رسول الله**

وعلی ولی الله. من اراد ان یكون قبره وسیعاً فلیبن المساجد. ومن اراد ان لا یأكله

الدیدان تحت الارض فلیسكن المساجد ومن احب ان یكون طریاً نظراً

لا یبلی جسده، فلیسكن المساجد ومن احب ان یری منزله فی الجنة فلیبن لیکسی

المساجد بالبسط. هر که می‌خواهد قبر او گشاد باشد، مسجد بسازد و هر که می‌خواهد کرم‌های قبر او را

نخورند، اهل مسجد باشد و هر که می‌خواهد محل خود در بهشت را ببیند مساجد را فرش نماید و برای نماز آماده کند. 7- بر درب

هفتم نوشته بود: **لا اله الا الله محمد رسول الله وعلی ولی الله**. بیاض القلب فی

اربع خصال عیاده المریض واتباع الجنایز و شراء الاکفان ورد القرض. هر که خواهد دلش بنور ایمان روشن شود، چهار خصلت پیشه کند. عیادت از مریض ها. تشییع جنازه. خریدن کفن و کفن کردن مردگان. ادای قرض و ادای قرض قرضداران. 8- بردرب هشتم نوشته بود: **لا اله محمد رسول الله وعلی ولی الله**. من اراد ان یدخل فی ای باب شاء فلیتمسک باریع خصال السخاء وحسن الخلق والصدقه وکف الاذی عن الناس. هر که می خواهد از هر در بهشت که می خواهد داخل شود چهار خصلت رعایت نماید. بخشندگی. خوش اخلاقی. صدقه و اذیت نکردن دیگران.

رسول خدا (ص) فرمود در بهشت عجایب دیدم و از همه جا بازدید کردیم و جایی نبود که مانده باشم. قال رسول الله: ان فی الجنة عرفاً یری ظاهرها من باطنها و باطنها من ظاهرها یسکنها من اطاب الکلام و من اطعم الطعام وافشی السلام و صلی باللیل والناس نیام. در بهشت اطاقهایی است که بیرون آنها از داخلش و داخلش از بیرون دیده می شود.

## چهار حیوان بهشتی

امام صادق (ع): از حیوانات فقط چهار حیوان داخل بهشت می شوند: سگ اصحاب کهف، خربلیم باعورا، ناقة صالح و گرگ حضرت یوسف.

## یکو جب خاک بهشت

رسول خدا (ص): یکو جب از خاک بهشت، از دنیا و آنچه در دنیا است، بهتر می باشد.

## خاک کربلا در بهشت

امام سجاد (ع) فرمود:

(هنگام برپاشدن قیامت) هنگامی که خداوند زمین را به شدت تکان داده و از جای خود در آورد، زمین کربلا به همان حالی که هست با تربت نورانی و صاف و خالصش بالا برده شده و در بهترین باغهای بهشتی قرار داده می شود. برترین منزهات بهشتی آن جاست و در آن جای نمی گیرند مگر پیامبران. همچنان که بعضی از ستارگان در میان بقیه با درخشندگی خاصی نور افشانی می کنند، کربلا نیز در بین باغهای بهشتی می درخشده نحوی که نورش چشم تمامی اهل بهشت را می پوشاند و ندا درمی دهد که: من زمین مقدس و پاک و مبارک خداوندم و حضرت سیدالشهداء را دربر دارم که سرور جوانان بهشت است.

## خلقت بهشت

امام باقر(ع): خداوند بهشت را قبل از جهنم آفرید.

## قصّاب در عالم برزخ!

مرحوم نراقی از یکی از موثقین، نقل نموده است که: روز سه شنبه یکی از سالها، به خانه یکی از دوستان که نزدیک قبرستان بود، رفتیم. سپس تصمیم گرفتیم که بزیارت اهل قبور برویم. وقتی بر روی قبرها نشسته بودیم، یکی از رفقا به شوخی، خطاب به یکی از قبرها که نزدیکمان بود، گفت: ای صاحب قبر! ایام عید است! آیا از ما پذیرائی نمی کنی؟ ناگاه صدائی از قبر بلند شد که گفت: هفته دیگر، سه شنبه، همه همینجا مهمان من هستید! همه ما وحشت کردیم! و گمان کردیم تا روز سه شنبه بیشتر، زنده نیستیم! مشغول وصیت و توبه و اصلاح کارهایمان شدیم! اما از مرگ خبری نشد! روز سه شنبه، قسمتی از روز که گذشت، با هم جمع شدیم و گفتیم که بر سر همان قبر برویم. شاید منظور مردن نبوده است! وقتی که سر قبر رفتیم، یکی از ماها گفت: ای صاحب قبر! به وعده خود عمل کن! صدائی بلند شد که بفرمائید!

ناگاه باغی در جلو چشم ما ظاهر شد، در نهایت طراوت و صفا، با نهرها و درختهای میوه و مرغهای خوش الحان! به ساختمان زیبائی رسیدیم و دیدیم که شخصی خوش سیما با

خدمتکاران خود، نشسته است! چون ما را دید، با انواع و اقسام شیرینی جات و میوه‌هایی که در عمرمان ندیده بودیم، از ما پذیرائی کرد! هرچه می‌خوردیم، چنان لذت داشت که سیر نمی‌شدیم!... از او سؤال کردیم از کجا به این مقام رسیدی؟ گفت: من قصاب بودم! دو خصلت را همیشه رعایت کردم: کم فروشی نکردم! نماز اول وقت، ترک نشد!

### خانه برزخی شهید بهشتی

#### آیت الله جوادی آملی

بنده سالیان متمادی و از قدیم الایام با شهید بهشتی دوست و هم‌بحث بودیم

در مباحث خصوصی علامه طباطبایی با ایشان شرکت می‌کردیم

بعد از شهادت ایشان روزی مقدار زیاری قرآن خواندم و به روح شهید بهشتی هدیه کردم وقتی خوابیدم در عالم خواب شهید بهشتی را دیدم با هم چند قدمی راه رفتیم به یک باغ سرسبز و کاخ مجللی رسیدیم شهید بهشتی گفت اینجا خانه من است و من اینجا زندگی میکنم از من جدا شد و به آن خانه مجلل برزخی رفت

نتیجه بخش بهشت

بهشت مکان بزرگی است که انواع لذتها و نعمتها در آن وجود دارد. و آن پاداش افرادی است که در دنیا مطیع خدا بوده و معصیت او را نکرده باشد.

---

از عالم پس از مرگ چه خبر. <sup>1</sup>

بعضی از نعمتهای بهشت در آیات و روایات، بشرح زیر است:

باغها و قصرهایی که از زیر و اطراف آن نهرها جاری است \*زنهای بهشتی که زیباترین و پاکیزه ترین زنها هستند و هرگز دچار عادت ماهانه و ولادت فرزند و نجاسات و پیری نمی شوند. هرگز دست انس و جنی به آنان نرسیده و همیشه با کره هستند \*بهشتیان دچار سرما و گرما نمی شوند \*بهترین زینتها از طلا و نقره و لؤلؤ و یاقوت و حریر و دیباچ و غیره برای بهشتیان فراهم است \*اهل بهشت در کاخهایی که از جواهرات ساخته شده اند و دارای خدمتکاران بیشمار و زیبایی است، می باشند \*هر میوه ای که بخواهند برای آنان آماده می شود و به هر غذائی که میل پیدا کنند، بدون اینکه سخنی بگویند برایشان مهیا می گردد \*میوه های بهشت در رنگ شبیه هم، ولی طعم آنان با هم فرق دارد \*برای دفع غذا و آشامیدنی ها نیاز به تخی ندارند بلکه غذاها بصورت عرقی خوشبو، خارج می شوند \*در بهشت هیچگاه ناسزا و سخن بد و لغو شنیده نمی شود و از اختلاف و کینه و حسادت خبری نیست \*از جمله نهر های بهشت، نهری از عسل تصفیه شده، نهری از شیری که هیچگاه طعمش تغییر نمی کند و نهری از شراب بهشتی است.

در بهشت مر یضی، پیری، ناراحتی، گرسنگی، تشنگی، خواب،

خستگی و سرما و گرما نیست.



## در جهنم چه می گذرد؟

سرنوشت کسانی که به خدا ایمان نیاوردند و از روی عمد و آگاهی، به دستورات او عمل نکردند، عذاب ابدی است! که در مقابل معصیتها و لذات زودگذر این افراد، بسیار عظیم است. در مقابل چندین سال کفر و ورزیدن، تا ابد در جهنم خواهند بود. و معلوم است که افراد عاقبت اندیش، هرگز برای چند روزه دنیا خود را گرفتار خشم الهی نخواهند نمود. بعضی از عذابهایی که در قرآن و روایات آمده بشرح زیر است.

ترجمه آیه 55 نساء:

آنانکه به آیات ما کافر شدند، بزودی آنها را به آتش می اندازیم. هر زمان که در جهنم پوستشان می سوزد و ازین می رود، پوست جدیدی می رویانیم تا عذاب را بچشند!

گویند جهنم هفت طبقه است. اول دوزخ. طبقه دوم حطمه که محل فرعونیان است. سوم سقر. چهارم لظى محل یهود. «**كَلَّا إِنَّهَا لَلْظَىٰ نَزَّاعَةُ لِّلشَّوٰی**» پنجم غی است. «**فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا**» طبقه ششم سعیر است. «**يصلون سعيراً**» طبقه هفتم جهنم است که محل گناهکاران امت اسلام است.

بر درب اول جهنم نوشته است: **مَنْ رَجَىٰ اللَّهُ سَعْدَ وَمَنْ خَافَ اللَّهَ أَمِنَ وَالْهَالِكِ الْمَغْرُورِ**

**مَنْ رَجَىٰ** 'غیر الله' یعنی هر که بخدا امید داشته باشد، رستگار است و هر که از خدا بترسد ایمن است و آنکه بغیر خدا مغرور و فریفته شد، هلاک می گردد و از غیر خدا در ترس و لرز است. **بِرِ دَرَبِ دَوْمِ** نوشته شده: هر که می خواهد در قیامت عریان محسوس نشود، در دنیا بدنهای بی لباس را لباس بپوشاند و هر که می خواهد در آخرت تشنه نباشد، تشنگان دنیا را

سیراب نماید و هر که می خواهد در قیامت گرسنه نباشد، گرسنگان دنیا را سیر کند. **بر در ب سوم** نوشته بود. **لعن الله الكاذبين. لعن الله الباطلين.** خدا لعنت کند دروغگویان را. لعنت کند خدا اهل باطل را. **بر در ب چهارم** نوشته است. متابعت نکنید از نفستان که ایمان شما را ضعیف می کند. و زبان را در کاری که فایده ندارد، بکار مبرید. **بر در ب پنجم** نوشته است که من حرام شده ام بر عبادت کنندگان. من حرام شده ام بر کسی که بر خدا شهادت می دهد. من حرام هستم بر روزه داران. **بر در ب هفتم** نوشته است **حاسبوا انفسكم قبل ان تحاسبوا و توبخوا انفسكم قبل ان توبخوا و ادعوا لله عزو جل قبل ان تردوا عليه ولا تقدر و اعليه.** حساب خود را برسد قبل از اینکه حساب شما را برسند. خودتان را توبیخ کنید قبل از اینکه شما را توبیخ نمایند. در پیش خداوند تضرع کنید قبل از اینکه بر او وارد شوید.

## فریاد جهنمیان مانند سگان و گرگان!

امام باقر (ع): جهنمیان از شدت درد و عذاب مانند سگان و گرگان فریاد می کشند. در دوزخ برای آنان مرگ نیست و عذابشان هرگز کم نشود. آنها در آتش، گرسنه و تشنه و کور و گنگ و کور و روسیاه و پشیمان و مغضوب پروردگارتند! بر آنان رحم نشود و عذابشان کم نگردد. به عوض آب از حمیم جوشان و به عوض غذا از زقوم به آنان بدهند. با قلابهایی از آتش بدنهای آنان را پاره می کنند و با گرزهای آهنین بر سرشان می کوبند. مأموران بسیار خشن آنان را عذاب می کنند که اهل ترحم نمی باشند. این مأمورین صورت جهنمیان را آتش می زنند و آنان را با شیاطین در غل و زنجیرها می بندند. اگر دعا کنند، مستجاب نمی شود و اگر حاجتی بطلبند، بر آورده نمی شود.

در روایت است در قیامت ندا می شود: **ظالمین و اعوان ظالمین و اشباه ظالمین** کجایند! حتی کسی که قلم و دوات به آنها بدهد. سپس همه را در تابوتی از آهن قرار داده و در آتش می اندازند.

و در نبوی است کسی که شلاق دست سلطان ظالم بدهد خدا ان را مار هفتاد ذراع  
قرار داده بجانش می اندازد

امام صادق علیه السلام به عذافر فرمود شنیدم با ابا یوب و ابا ربیع (که جزو  
دربارند) معامله می کنی؟ چه حالی داری وقتی روز قیامت اسمت را جزو اعوان ظلمه  
می خوانند؟ ناگهان عذافر دچار وحشت شد! امام حال او را دید فرمود من تو را هشدار  
دادم به آنچه خدا به من هشدار داده است. و عذافر به خانه اش رفت و ناراحت بود و  
غمگین تا مرد

### عذاب شمر از زبان علامه امینی

علامه امینی تعریف کرده است که: مدت ها فکرمی کردم که خداوند چگونه شمر □ ﷺ  
ملعون را عذاب می کند؟ و جزای آن تشنه لبی و جگر سوختگی حضرت سیدالشهدا  
علیه السلام را چگونه به او می دهد؟ تا اینکه شبی در عالم رویا دیدم که امیرالمؤمنین  
علیه السلام در مکانی خوش آب و هوا، روی صندلی نشسته و من هم خدمت آن  
: جناب ایستاده ام، در کنار ایشان دو کوزه بود، فرمودند

این کوزه‌ها را بردار و برو از آنجا آب بیاور و اشاره به محلی فرمود که بسیار باصفا و با طراوت بود ، استخری پر آب و درختانی بسیار شاداب در اطراف آن بود که صفا و شادابی محیط و گیاهان قابل بیان و وصف نیست

کوزه‌ها را برداشته و رو به آن محل نهادم آنها را پر آب نموده حرکت کردم تا به خدمت امیرالمومنین علیه السلام باز گردم . ناگهان دیدم هوا رو به گرمی نهاده و هر لحظه گرمی هوا و سوزندگی صحرا بیشتر می شد ، دیدم از دور کسی به طرف من می آید و هرچه او به من نزدیکتر می شد هوا گرمتر می شد گویی همه این حرارت از آتش اوست ،

در خواب به من الهام شد که او شمر ، قاتل حضرت سیدالشهدا علیه السلام است

وقتی به من رسید دیدم هوا به قدری گرم و سوزان شده است که دیگر قابل تحمل نیست ، آن ملعون هم از شدت تشنگی به هلاکت نزدیک شده بود ، رو به من نمود که از من آب بگیرد ، من مانع شدم و گفتم : اگر هلاک هم شوم نمی گذارم از این آب قطره‌ای بنوشد . حمله شدیدی به من کرد و من ممانعت می نمودم ، دیدم اکنون کوزه‌ها را از دست من می گیرد لذا آنها را به هم کوبیدم ، کوزه‌ها شکسته و آب آنها به زمین ریخت چنان آب کوزه‌ها بخار شد که گویی قطره آبی در آنها نبوده است .

او که از من ناامید شد رو به استخر نهاد ، من بی اندازه ناراحت و مضطرب شدم که مبادا آن ملعون از آب استخر بیاشامد و سیراب گردد ، به مجرد رسیدن او به استخر ،

آب استخر خشک شد چنان که گویی سالهاست یک قطره آب در آن نبوده است .  
درختان هم خشک شده بودند او از استخر مایوس شد و از همان راه که آمده بود  
بازگشت . هرچه دورتر می شد ، هوا رو به صافی و شادابی و درختان و آب استخر به  
. طراوت اول بازگشتند

به حضور امیرالمؤمنین علیه السلام شرفیاب شدم ، فرمودند : خداوند متعال این چنین  
آن ملعون را جزا و عقاب می دهد ، اگر یک قطره آب آن استخر را می نوشید از هر  
زهری تلخ تر و هر عذابی برای او دردناک تر بود. بعد از این فرمایش از خواب بیدار  
شدم

لعن الله قاتلیک یا ابا عبدالله

### معاویه در زنجیر

امام صادق علیه السلام می فرماید : « با پدرم به مکه می رفتیم و هر کدام بر شتری  
سوار بودیم . وقتی به منطقه ضحجان رسیدیم ، مردی به ما رسید که در گردنش زنجیر  
بود و به پدرم گفت : « یا بن رسول الله ! به من آب بده تا خدا هم تو را و پشت سر  
او مرد دیگری بود که سر زنجیر را به دست گرفته بود و می کشید و می گفت : « یا بن  
. رسول الله ! او را سیراب نکن که خدا او را سیراب نمی کند

پدرم به من نگاهی کرد و فرمود: « جعفر شناختی این مرد که بود؟ معاویه لعنه الله  
بود

### مکافات ابن ملجم در عالم برزخ

روایان حدیث از «ابن رقا» نقل می کنند که گفت: در مکه کنار مسجد الحرام بودم،  
دیدم گروهی از مردم در کنار مقام ابراهیم (ع) اجتماع کرده اند، گفتم: چه خبر  
است؟

گفتند: یک نفر راهب (عالم و عابد مسیحی) مسلمان شده (و راز مسلمان شدنش را  
(.تعریف می کند

میان جمعیت رفتیم و سر کشیدم، دیدم پیر مردی لباس پشمینه و کلاه پشمینه پوشیده  
و قد بلندی دارد در مقابل مقام ابراهیم نشسته است و سخن می گوید، شنیدم  
می گفت

روزی در صومعه‌ی خود نشسته بودم، و به بیرون صومعه نگاه می کردم، ناگاه پرنده‌ی  
بزرگی مانند باز شکاری (لاشخور) دیدم، روی سنگی کنار دریا فرود آمد، چیزی را  
قی کرد، دیدم یک چهارم انسانی از دهانش بیرون آمد، سپس رفت و ناپدید شد، و  
باز برگشت و قی کرد، دیدم یک چهارم دیگر انسانی از دهانش خارج شد، باز رفت و  
ناپدید شد و بازگشت و یک چهارم دیگر انسانی را، قی کرد، و برای بار چهارم نیز  
پدید و رفت و سپس بازگشت، یک چهارم دیگر انسان را، قی کرد، و یک انسان به

وجود آمد، سپس دیدم همان پرنده رفت و ناپدید شد و سپس بازگشت و بر آن انسان منقار زد و یک چهارم او را ربود و رفت، بار دیگر آمد و همین کار را کرد، بار سوم و سپس بار چهارم آمد و به ترتیب قبل بر آن منقار زد و همهی او را ربود و رفت.

در تعجب فرو رفتم که خدایا این شخص کیست که این گونه عذاب می شود و ناراحت شدم که چرا رفتم از او پرسیم، طولی نکشید دیدم، همان پرنده آمد و در همان محل قبل، قی کرد و یک چهارم یک انسان از دهانش بیرون آمد، سپس رفت بار دوم و سوم و چهارم آمد و در هر بار، یک چهارم او را، قی کرد، وقتی که آن چیز «قی شد، انسان کامل شد. با شتاب نزدش رفتم و گفتم: «تو کیستی و چه کرده‌ای؟

گفت: من ابن ملجم هستم، علی بن ابیطالب (ع) را کشته‌ام خداوند این پرنده را مأمور من ساخته که هر روز این گونه مرا می کشد و زنده می کند.

گفتم: علی بن ابیطالب کیست؟ گفت: پسر عموی رسول خدا، پیامبر اسلام (ص) همین [حادثه‌ی عجیب باعث شد (که به حقانیت اسلام پی ببرم و) مسلمان شوم].<sup>۲</sup>

### وحشت حیوانات از عذاب قبر کافر

جابر می گوید، پیامبر (ص) فرمود: قبل از آن که به مقام پیامبری برسیم، شتر و گوسفند می چراندم (هیچ پیامبری نیست مگر این که چوپانی کرده است) گاهی می دیدم شتر و گوسفند در جای خود مستقر هستند و هیچ چیزی در اطراف آنها نیست که آنها

---

۲- بحار ج ۴۲، ص ۳۰۷

را بترساند و ناگهان می دیدم آن‌ها یک‌باره، هراسان از جای خود حرکت می کردند و به هوا می جستند، با خود می گفتیم: «راز هراس و جست و خیز ناگهانی این حیوانات چیست؟» هنگامی که به مقام پیامبری رسیدم جبرئیل برای من چنین گفت

وقتی که کافر بمیرد، چنان ضربه‌ای به او می‌زنند که تمام مخلوقاتی که خدا «آفریده است، از آن ضربه وحشت زده می‌شوند، مگر «طایفه‌ی جن و انس»، گفتیم: پس این اضطراب ناگهانی حیوانات، به خاطر ضربت خوردن کافر است

«فَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ»

[پس پناه می‌بریم به خدا از عذاب قبر.]<sup>۳</sup>

### **عذاب شرکت کنندگان در قتل امام حسین (علیه السلام) در عالم برزخ**

عبدالله بن کثیر می‌گوید: همراه امام صادق (علیه السلام)، از مدینه به سوی مکه می‌رفتیم، در مسیر راه به منزلگاه عسفان رسیدیم، سپس در آنجا از کنار کوه سیاه رنگ زمختی که وحشتنا بود عبور نمودیم، به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: ای فرزند پیامبر! این کوه چقدر وحشت آور است، من در راه کوهها کوهی! مانند این کوه وحشت آور ندیده‌ام

امام صادق (علیه السلام) فرمود: آیا می‌دانی، این کوه چه کوهی است؟ به این کوه کوه کمد گفته می‌شود، که بر دره‌ای از دره‌های دوزخ قرار دارد، که شرکت کنندگان در قتل امام حسین (علیه السلام) در آن دره، عذاب می‌شوند و در زیر آن آبهای دوزخ از غسلین (چرک و خون) و صدید (بد بو و گندیده) و حمیم (بسیار

۳. فروع کافی، ج ۳، ص ۲۳۳



سوزان) جریان دارد، آنها افرادی از منافقان که قبلا باعث چنان ظلمها شدند، در آن عذاب می گردند و فریادشان بلند است، و من اکنون شرکت کنندگان در قتل پدرم ((امام حسین) را که در این دره عذاب می شوند، می نگرم

### صدای عذاب اهل جهنم را می شنوم....

یک روز بعد نماز صبح اقا رسول الله دیدند شخص جوانی هنگام نماز صبح چرت می زند؟ فرمود در چه حالی هستی؟ عرض کرد شبها از صدای ضجه و ناله اهل جهنم خوابم نمی برد صدای انها را می شنوم. رسول خدا حرف او را تایید کردند.

### ماری به نام شجاع ، در قبر

امام کاظم (علیه السلام) فرمود: هر گاه مومنی نزد برادر مومن خود بیاید و از او حاجتی بخواهد، این موضوع در حقیقت، رحمتی، از جانب خداست که به سوی او آمده، اگر حاجت او را روا کند به ولایت ما که متصل به ولایت الهی است، نائل شده است، و اگر با این اینکه توانائی دارد، حاجت او را برنیاورد، سلط الله علیه شجاعا من نار ینهشه فی قبره الی یوم القیامه  
(خداوند ماری از آتش بر او مسلط کند که تا روز قیامت او را بگزد

## ناصرالدین شاه در برزخ

در رابطه با وضعیت ناصرالدین شاه قاجار در عالم برزخ، یکی از شاگردان شیخ از ایشان نقل کرد: روح او را روز جمعه ای آزاد کرده بودند و شب شنبه او را با هل به جایگاه خود می بردند، او با گریه به ماموران التماس می کرد و می گفت: نبرید. هنگامی که مرا دید به من گفت: اگر می دانستم جایم اینجاست در دنیا خیالِ خوشی هم نمی کردم.

## صورت بریان!

در روایت است که وقتی صدید را برای جهنمی می برند، صورتش بریان شود و پوست و گوشت صورتش بریزد. و چون از آن می خورد - از شدت تشنگی - جمیع امعاء و احشائش پاره می شود! از هر جهنمی مانند رودخانه ای چرک روان می شود و آنقدر می گریند که از اشک چشمان مانند نهر جاری می گردد و هنگامیک اشکشان تمام شود، خون می گریند!

## عذاب بخاطر فساد اخلاقی

آورده اند که: حضرت عیسی علیه السلام از گورستانی عبور می کرد. قبری دید که آتش از آن بیرون می آمد. عصا بر آن قبر زده، بشکافت! شخصی را در میان آتش دید. فرمود: چه کرده ای که دچار عذاب شده ای؟ گفت: مردی بودم که بدنبال زنهای مردم می رفتم و کارهای ناشایست می کردم و زنا می نمودم! چون از دنیا رفتم، صدایی شنیدم که می گفت:

او را بسوزانید! از آن روز مرا می‌سوزانند! عیسی علیه‌السلام نگاهش به ماری سیاه و عظیم افتاد! پرسید: ای مار! با این مسکین چه می‌کنی؟ گفت: از آن زمان که وی را دفن کرده‌اند، یک لحظه از او غافل نبوده‌ام و با زهری که اگر یک قطره از آنرا در رود نیل بریزند، همه آبهای آن زهر قاتل می‌گردد، بر او مشغول هستم!<sup>(3)</sup>

### سه حدیث از امام صادق(ع)

1- آتش دنیا یک جزء از هفتاد جزء آتش دوزخ است!

### راحت ترین عذاب!

2- راحت ترین عذاب جهنم عبارتست از انداخته شدن در دریای آتش و پوشاندن دو کفش که حتی بندهای آن از آتش است! بطوریکه از شدت حرارت مغزش بجوش می‌آید و او خیال می‌کند که عذابش از همه سخت‌تر است.

### آتش جهنم!

3- روزی جبرئیل در حالیکه آثار ناراحتی در چهره اش ظاهر بود نزد رسول خدا(ص) آمد. در حالیکه او قبلاً خوشحال و متبسم می‌آمد. حضرت فرمود: ای جبرئیل! امروز چرا ناراحتی؟ جواب داد: امروز از دمهایی که بر آتش جهنم می‌دمیدند، دست کشیدند. فرمود: دمه‌های جهنم چیست؟ گفت: ای رسول خدا! خدا! خدا! امر فرمود تا هزار سال بر آتش جهنم دمیدند تا سفید شد! و هزار سال دیگر دمیدند تا سرخ شد! و هزار سال دیگر دمیدند تا سیاه شد و الان سیاه و تاریک است! اگر قطره‌ای از ضریح که عرق اهل جهنم و چرک فرجهای زناکار است، را که در دیگهای جهنم جوشیده شده و بعوض آب به جهنمیان می‌خورانند، در آبهای دنیا بریزند، همه مردم از گندش بمیرند! و اگر یک حلقه از زنجیریکه هفتاد ذرع- 35 متر- است و بر گردن جهنمیان می‌گذارند، بر دنیا قرار دهند، از گرمی آن تمام مردم بگدازند! و اگر پیراهنی از پیراهن‌های اهل جهنم را میان آسمان و زمین بیاویزند، اهل دنیا از بوی بد آن هلاک شوند! در این موقع رسول خدا(ص) و جبرئیل هر دو به گریه افتادند. خداوند ملکی را فرستاد که پروردگاران سلام می‌رساند و می‌فرماید: من شمارا از اینکه گناه نمائید، مصون نمودم.

## ترجمه آیه 29 کهف:

ما برای ظالمین، آتشی که سراپرده هایش آنها را فرا می گیرد، آماده کرده ایم! اگر کمک بطلبند، با آبی مثل مس ذوب شده که به آنها داده می شود و صورت را می سوزاند فریادری کنند. بد آشامیدنی و بد آسایشگاهی است!

## زقوم!

رسول خدا(ص): قسم به کسیکه جان محمد(ص) در دست اوست، اگر قطره ای از زقوم بر تمام کوههای زمین بچکد، تا طبقه هفتم زمین از هم می پاشد! پس بر کسیکه از آن بیاشامد چه می کند؟ و قسم به کسیکه جانم بدست اوست همانا هرگز که خداوند آنرا در قرآن کریم ذکر فرموده، اگر بر تمام کوههای زمین زده شود تا پایین ترین طبقه زمین متلاشی می شود! پس چگونه خواهد بود حال کسیکه در روز قیامت آنها داخل آتش، مضروب ضربات گرزهای آتشین باشد؟

## خائنان امت!

رسول خدا(ص): ای علی! همانا جبرئیل بمن خبر داد که امت من بعد از من بتو خیانت می کنند! پس ویل بر آنها باد! پس ویل بر آنها باد! علی(ع) می گوید: عرض کردم: یا رسول الله! ویل چیست؟ فرمود: نام وادی در جهنم است که بیشتر اهالی آن از دشمنان و قاتلین ذریه تو و بیعت شکنان تو هستند.

## مُؤذِن

امام رضا(ع) در تفسیر آیه:

«فَأَذِّنْ مُؤذِنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظالمين

یعنی: مؤذنی بین آنها ندا کرد: لعنت خدا بر ظالمین!» فرمود: این مؤذن امیرالمؤمنین(ع) است.

## ترجمه آیه 19 حج:

... پس کسانی که کافر شدند، بر ایشان لباسهایی از آتش بریده‌اند! از بالای سر آنان نیز آب جوشان می ریزند.

## وای بر ما!

امام باقر (ع): جهنمی می گوید: وای بر ما! ای کاش از خدا و رسول اطاعت می کردیم! در این هنگام سنگی از سمت راست و شیطانی از سمت چپ به او نزدیک می شوند. سنگ از آتش است که صورت او را آتش می زند! خداوند هفتاد پوست برای او قرار می دهد که قطر هر پوست، 40 ذراع - بیست متر - و بین پوستها، مارها و عقربهایی از آتش وجود دارد. آتش از مخرج او وارد واز دهانش خارج می شود! همچنین او را به هفتاد زنجیر می بندند که هر زنجیری 70 ذراع - 35 متر - است و مابین هر ذراعی باندازه قطره ها و باران ها، حلقه است که اگر حلقه ای را بر کوههای زمین بگذارند، زمین ذوب می شود! هفتاد لباس از قیر ذوب شده بر او می پوشانند و بر صورتش لباسی از آتش قرار می دهند و همه جای بدنش را لباسهای آتشین می پوشانند! در پایش زنجیرهایی از آتش و بر سرش، تاج آتشین که باندازه 60 ذراع - 30 متر - است قرار می دهند! در سرش 360 سوراخ می کنند که از آنها دود بر می خیزد و مغز سرش می جوشد و بر کتفش سرازیر می گردد... پس ضربه ای بر او می زنند، که هفتاد هزار سال سقوط می کند تا به چشمه ای بنام آئیه می رسد... که آن بالاترین درجه حرارت را دارد بطوریکه وقتی خدا جهنم را خلق کرد، همه دره های آن بخواب رفتند ولی این چشمه از حرارت زیادش بخواب نمی رود! ما مورین عذاب به جهنمیان می گویند: ای بدبختان! نزدیک بیاید و از این چشمه بنوشید! اگر امتناع کردند، باعمودهایی که دارند بر آنها می زنند!... وقتی از این چشمه ظرفی به جهنمی می دهد، همینکه آنرا نزدیک صورتش می برد، لبهای آنها کنده شده و گوشت صورتشان می ریزد! با خوردن آن شکم و پوست بدنشان از هم می پاشد! در این هنگام ضربه ای بر سرش می زنند که هفتاد هزار سال سقوط می کند تا به طبقه سعیر برسد. در آنجا هم ضربه ای بر او می زند تا به

**شجره زقوم** می رسند که در ریشه جهنم است و سرش مثل سرهای شیاطین می باشد! زیرا هفتاد هزار شاخه آتش دارد و هر شاخه ای هفتاد هزار میوه جهنمی دارد و هر میوه ای از نظر بدبوئی و بدطعمی مثل شیطان است که هر که از آن بخورد، در شکمش بجوش می آید!

**عذاب اصحاب مشئمه!**

ترجمه آیه 42 تا 44 واقعه:

دربادهای آتشین و حمیم هستند \* و سایه ای از دودسخت سیاه\* نه سرد است و نه خوب!

### آسیاب جهنم!

علی(ع): در جهنم آسیابی است که 5دسته را آسیاب می کند! آیا نمی پرسید چه کسانی را آسیاب می کند؟ گفته شد: چه کسانی را؟ فرمود: عالمان فاجر، قاریان فاسق، ستمگران ظالم، وزیران خائن و عارفان دروغگو!

### ریا کار در جهنم!

در روایت است که خداوند دستور می دهد عده ای را به جهنم ببرند. ولی به مالک جهنم می گوید: به آتش بگو، پاهای آنها را نسوزاند زیرا با این پاها به مساجد می رفتند! دستهای آنان را نسوزاند زیرا این دستها را برای دعا بلند می کردند! زبانشان را نسوزاند زیرا قرآن زیاد تلاوت می کردند! صورتشان را نسوزاند زیرا وضوء کامل می گرفتند! مالک جهنم به آنان می گوید: ای بدبختها! شما چه کردید که با این اعمال خوب، به جهنم آورده شده اید؟ آنها می گویند: ما برای غیر خدا عمل می کردیم!

دورویات از رسول خدا(ص)

### زنا کار!

1- روز قیامت زنا کار را وارد جهنم می کنند و قطره ای از عورتش می چکد که از بوی آن تمام اهل جهنم دچار ناراحتی می شوند! جهنمیان به نگهبانان جهنم می گویند: این بوی بد مال کیست که مارا اذیت کرده است؟ به آنها گفته می شود: این بوی زنا کاران است.

## احقاب!

2- کسیکه وارد جهنم شود حداقل بمقدار احقاب در آن باید بماند و هر حقب، 65 سال است که هر سالش 360 روز است و هر روزش هزار سال دنیا است.

## در جهنم ابدی

علی(ع) در خطبه 109 نهج البلاغه: واما گناهکاران را در بد مکانی جای می دهند! دست آنها را با غل و زنجیر به گردنشان می بندند! آنچنان که سرشان را با پاها بهم نزدیک می کند و لباسهایی از موادی که زود آتش می گیرد و لباسهایی از قطعه های آتش بر آنها بپوشاند. در غذایی که حرارت آن بسیار شدید است و درش به روی آنها بسته است. در آتشی که زبانه می کشد و صدایش هراس انگیز است. آنها که در آنند از آن خارج نگردند و برای آزادی اسپرانش غرامت پذیرفته نمی شود و زنجیرهایشان گسسته نمی گردد. مدتی برای این خانه تعیین نشده تا پایان پذیرد و نه سرآمدی تا تمام گردد.

## غیبت کننده

در روایت است که غیبت کننده اگر بی توبه بمیرد، اولین نفری است که به جهنم می رود و اگر با توبه بمیرد آخرین نفری است که به بهشت می رود!

## دیدار از جهنم در معراج!

رسول خدا(ص): در معراج از جهنم دیدار کردم و دیدم که عده ای در مقابلشان گوشت خوب و گوشت مردار است. ولی آنان از مردار می خوردند! جبرئیل گفت: اینها حرام خوار بوده اند! عده ای را دیدم که لبهای آنان مانند شتر بود و مأمورین از پهلویشان مقراض کرده و در دهانشان می گذاشتند! جبرئیل گفت: اینها عیب جو بوده اند. عده ای را دیدم که سرشان را می کوبیدند! جبرئیل گفت: اینها نماز عشاء نمی خواندند! گروهی را دیدم که مأمورین، آتش بدهانشان گذاشته و از مخرجشان در می آمد! جبرئیل گفت: اینها مال یتیم خور بوده اند. عده ای را دیدم که شکمشان آنقدر بزرگ بود که نمی توانستند بر خیزند! جبرئیل گفت: اینها ربا خوار بوده اند. گروهی از زنها را دیدم که به پستانشان آویزان کرده بودند! جبرئیل

گفت: اینها زناکار بوده اند. عده ای را دیدم که با نخ و سوزن آتشین، بدنهایشان را می دوختند! جبرئیل گفت: اینها نیز زناکار بوده اند... زنی را دیدم که بموی سرش آویزان کرده بودند! و مغز سرش را می جوید! جبرئیل گفت: این زن موی خود را از نامحرم نمی پوشانده است!... زنی را به پاهایش آویخته بودند! جبرئیل گفت: این زن بدون اجازه شوهر از خانه بیرون می رفته است. زنی را دیدم که گوشت بدن خود را می خورد! جبرئیل گفت: این زن بدن خود را برای دیگران آرایش می کرده است! زنی را دیدم که پاهایش را بدستهایش بسته بودند و مار و عقرب بر او مسلط بودند! جبرئیل گفت: این زن غسلهای خود را نمی کرده است! زنی را دیدم که گوشت بدنش را مقراض می کردند! جبرئیل گفت: این زن خود را به مردان عرضه می کرده است! شخصی را دیدم که صورت و بدنش را می سوزانیدند و روده های خود را می خورد! جبرئیل گفت: این شخص واسطه زنا بوده است! شخصی را دیدم که سرش مثل خوک و بدنش مثل الاغ بود! جبرئیل گفت: این شخص سخن چینی می کرده است. شخصی را دیدم که صورتش مثل سگ بود و آتش بر او وارد می کردند! جبرئیل گفت: او خواننده و حسود بوده است!

ق 30:

مزید؟ یَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلْ امْتَلَأَتْ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ

یعنی: روزیکه دوزخ را گوئیم: آیا پر شدی؟ و دوزخ گوید: آیا بیش از این هم است؟

عاق والدین!

رسول خدا (ص): بوی بهشت از مسیر پانصدسال بمشام می رسد! ولی عاق والدین و دیوث بوی آنرا حس نمی کنند! سؤال شد: ای رسول خدا! شخص دیوث کیست؟ فرمود: کسیکه می بیند زنش زنا می کند ولی بی تفاوت است!

ترجمه آیه 34 مرسلات: روز قیامت وای بر تکذیب کنندگان\* در آن روز نمی توانند

حرفی بزنند و نه می توانند عذر بخواهند.



